

مقدمه

فرهنگ سیاسی شیعه که نوع نگرش شیعه امامیه به مقوله قدرت و سیاست است، تحت تأثیر مبادی نظری، عقاید، باورها و سنت‌های شیعه بوده که در طول تاریخ، تحولات سیاسی و اجتماعی مهمی را رقم زده و تعیین‌کننده الگوهایی در پذیرش و یا نفی حکومت‌ها نیز بوده است. از مهم‌ترین این مفاهیم، می‌توان به اصل امامت، انتظار و غیبت، شهادت، تقیه و ... اشاره کرد. در کنار این مفاهیم، وجود برخی نمادها در فرهنگ سیاسی شیعه نظیر عاشورا که بالقوه حاوی قدرت عظیمی در تحریک و بسیج مردم و دمیدن روح مبارزه و انقلابی‌گری هستند، به فرهنگ سیاسی شیعه رنگ و بوی ویژه‌ای بخشیده است.

علی‌رغم وجود چنین مفاهیم و نمادهایی، مطالعه دقیق سیر تاریخی شیعه و نگرش و موضع آن نسبت به قدرت سیاسی نشان می‌دهد که فرهنگ سیاسی شیعه در طول تاریخ به مقتضای زمان در قالب سه الگوی انزوا، مسالمت‌آمیز و الگوی انقلابی قرار دارد که هر یک متناسب با مقتضیات زمان و همچنین با توجه به نوع تفسیر از نمادهای شیعه در هر عصر، حاکم شده است.

عاشورا به عنوان یکی از نمادهای شیعه کارکردها و آثار عمده و متنوعی در تاریخ و فرهنگ سیاسی شیعه داشته است. به همین دلیل همواره قرائت‌ها و تفسیرهای مختلفی نیز از آن ارائه شده است. در مقاطعی از تاریخ قرائت انقلابی‌گری از آن، زمینه برخی تحولات را فراهم کرده و در برخی مقاطع دیگر تاریخی نیز تغییر در نگرش به عاشورا به وجود آمده است. نمود بارز تغییر رویکرد به عاشورا را می‌توان در دوره حکومت سلسله صفویه و قاجاریه مشاهده نمود که حاکم‌شدن قرائت انزواگرایانه از واقعه عاشورا به منظور تطبیق با مبانی اقتدار حاکمیت، از جمله ویژگی‌های این دوره است.

بدون شک، این واقعه تاریخی به عنوان یکی از مهم‌ترین نمادهای مذهب تشیع تأثیراتی بر تحولات اجتماعی - سیاسی ایران داشته و کارکردهایی را در این زمینه ایفا کرده است. پژوهش حاضر در تلاش است تا ضمن اشاره مختصری به سیر تحول مفهوم و قرائت‌های عاشورا در طول تاریخ و تأثیر آن بر تحولات اجتماعی ایران، به بررسی تأثیر

عاشورا و ارتباط این نماد مهم در فرهنگ سیاسی شیعه پردازد. همچنین به بررسی تأثیر این مفهوم بر تحولات سیاسی - اجتماعی ایران معاصر پرداخته و با بررسی این تأثیر در دو مقطع قبل از انقلاب و دوران جمهوری اسلامی ایران، به تبیین وجوه تمایز و تشابه کارکرد عاشورا در دو دوره تاریخی خواهد پرداخت.

در این مقاله، مهم‌ترین تحولات اجتماعی و ارتباط آن با موضوع عاشورا در طول نیم قرن گذشته (از خرداد ۱۳۴۲ تا نهم دی ۱۳۸۸) مورد بررسی قرار گرفته است. نگارنده همچنین با استفاده از این ارزیابی تاریخی، تلاش می‌کند تا به صورت مختصر، آینده تحولات اجتماعی - سیاسی ایران در ارتباط با این موضوع را مورد ارزیابی قرار دهد.

نکته‌ای که درباره مفهوم بازتفسیر قابل ذکر است اینکه بازتفسیر نه به معنای تفسیر جدید بلکه به معنای ارائه کردن تفسیری است که قبلاً وجود داشته و در طول زمان به فراموشی سپرده شده است. در حقیقت، اگرچه تفسیر امام خمینی علیه السلام و دیگر متفکران و مصلحان دینی از مفهوم عاشورا در این دوران برای مردمی که قرن‌ها با جلوه‌های ویژه و خاصی از این مفهوم خو گرفته بودند تفسیری نوین به شمار می‌آمد، اما این تفسیر همان روح اصلی پیام عاشورا بوده که سال‌ها در پس انحرافات و خرافاتی که حاکمان صفویه و قاجاریه به منظور همگون کردن این نماد با مبانی اقتدار خود ایجاد کرده بودند، پنهان شده بود. از این روی به آن بازتفسیر اطلاق می‌شود.

جایگاه عاشورا در فرهنگ سیاسی شیعه و تاریخچه سیر تحول تاریخ آن

شکل‌گیری نهضت عاشورا به عنوان یکی از نمادهای فرهنگ سیاسی شیعه معلول حوادثی است که پس از رحلت پیامبر روی داد و به تدریج شکاف میان دو جریان امامت و سلطنت را که ادامه حکومت عثمان و تحقق بخشیدن ارزش‌ها و سنت‌های جاهلی بود را فراهم کرد. بدین ترتیب با حاکمیت معاویه و روی کار آمدن پسرش اوضاع زمانه به گونه‌ای شده بود که امام حسین علیه السلام از آن به دگرگونی عالم تعبیر کرده است. ایشان با چنین شرایطی مصمم می‌شود تا برای شناساندن اسلام حقیقی حرکت تاریخی خود را آغاز کند و تا سرحد فداکردن جان خود و یارانش پیش رود.

این حرکت تاریخی امام علیه السلام اثرات فراوانی را در فرهنگ سیاسی شیعه بر جای گذاشت که از جمله آن جایز نبودن تسامح در زمینه نگرهبانی از ارزش‌های دینی به بهانه نبودن احساس قدرت است. همچنین با عنایت به اینکه عاشورا تنها واقعه‌ای است که شهادت منحصر به فرد یکی از امامان معصوم به همراه یارانش در آن واقع شد، جایگاه نمادینی در فرهنگ تشیع پیدا کرد و منشأ و مبدأ بسیاری از قیام‌ها و حرکت‌های انقلابی و خونین در تاریخ شیعه گردید. تأکید امامان شیعه نیز درباره بزرگداشت یاد و خاطره امام حسین علیه السلام موجب گسترش فرهنگ عاشورا در میان شیعیان گردید. (هنری لطیف‌پور، ۱۳۸۰: ۸۸)

با گذشت زمان و اثرگذاری نظام‌های مقتدر، زمینه‌ای فراهم شد تا عاشورا صرفاً صورتی تسلی‌بخشی به خود بگیرد که عمدتاً در تقابل با شکل و هدف اصیل و اولین آن بود. بدین ترتیب ابعاد مختلف عاشورا در مصیبت و عزا منحصر شد و از هرگونه حماسه و پیام و فداکاری خالی گردید. این مسئله بر فرهنگ سیاسی شیعه اثر گذاشت و آن را از حالت سیاسی فعال و ستیزه‌گر با نظام‌های قدرت نامشروع - در عرصه عمل - خارج ساخت. این تغییر جهت با شکل‌گیری دولت صفویه و بعد از آن در دوران قاجاریه نمود بیشتری یافت.

تأسیس دولت صفوی باعث پیدا شدن الگوی جدیدی در مناسبات میان دین و دولت شد و به عنوان نقطه عطف تاریخی در اندیشه سیاسی شیعه به شمار می‌آید.

دولت صفویه که مشروعیت سیاسی خویش را با انتساب به مذهب تشیع دریافت می‌کردند، نیازمند استفاده از علمای مذهبی در امور مربوط به دین بود و لذا شکل خاصی از تعامل بین مذهب و دولت پدید آمد. البته علمای مذهبی، علی‌رغم همکاری با دولت به آن مشروعیت ذاتی نمی‌دادند. از سوی دیگر باتوجه به ویژگی تاریخی ساختار قدرت سلطنتی که وجه بارز آن اقتدارگرایی و خودکامگی و مسدود بودن باب هرگونه اعتراض بود، فرصت هیچ‌گونه مشارکت سیاسی درون نظام (مگر پیروی و اطاعت از حکومت) داده نمی‌شد.

سنخیت و تقارن الزامات این ساختار با طرز تلقی خاصی از مفاهیم و مقولات فرهنگ شیعه به ویژه مفهوم انتظار و تقیه، موجب ایجاد رویکرد انزواگرایی و سکوت در میان توده‌های مردم گردیده و باعث غلبه تلقی غیرسیاسی و تراژیک از نمادها و به تبع آن،

فرهنگ سیاسی انزواگرا و انفعالی می‌شود. بدین ترتیب به تدریج تفسیر و برداشت غیرسیاسی و محافظه کارانه از عاشورا و شهادت، برجسته می‌شود و این تلقی و برداشت به نوبه خود، موجب تولید فرهنگ سیاسی انزوا و تنزه‌طلبی در میان شیعه می‌شود. (همان: ۹۷ و ۹۸) دکتر سیدجعفر شهیدی در این باره می‌نویسد:

تشیع که در آغاز از یک سو، نهضتی ضد بیدادگران بود و از سوی دیگر اندیشه سیاسی پیشرفته‌ای داشت، در قرن‌های اخیر تغییر جهت داد و سیر تکاملی آن متوقف شد و نهضت شیعی که همچون سلاحی برنده برای مبارزه با ستمکاران به کار افتاد، در طول قرن‌ها از تاریخ، پناهگاهی برای حکومت‌های ستمکار گردید. شعائر مذهبی که عاملی بزرگ و مؤثر در بیداری و تحرک توده مردم بود، از دوره صفویه به بعد به تدریج نمایشی بی روح و گاه مخالف با روح شریعت در آمد. (شهیدی، ۱۳۷۲: ۱۶۱)

نقش دولت صفوی در غالب شدن این رویکرد حائز اهمیت است. بدین ترتیب، وضعیت در این زمان به گونه‌ای شده که ابعاد و آموزش‌های سیاسی و اجتماعی تشیع به فراموشی سپرده شده و به جای آن، قشری‌گری و تأسی به مناسک، بدون توجه به روح و پیام واقعی آنها و نیز تشدید تعارضات فرقه‌ای و دشمنی با اهل سنت، مورد عنایت و اهتمام واقع شد. بدین ترتیب، کیفیت رادیکال و انقلابی مذهب شیعه تحت الشعاع قرار گرفت. رونق گرفتن مطالعه کتاب‌هایی مانند «روضه الشهداء» تألیف ملاحسین واعظ کاشفی سبزواری - معاصر شاه اسماعیل اول - که نگاهی غیرسیاسی و غم‌انگیز و تراژدیک به حادثه کربلا دارد، شاهد این مدعاست. (میراحمدی، ۱۳۶۴: ۸۰)

در این دوران آب و تشنگی به گفتمان محوری در قرائت واقعه کربلا تبدیل می‌شود. این گفتمان مرثیه‌ای و نگاه غیرسیاسی به واقعه و نهضت عاشورا در تمام دوران قاجار به استثنای دوره‌ها و مقاطع کوتاه اجتماعی مانند نهضت تنباکو و جنبش مشروطیت ادامه می‌یابد. همچنین سنت تعزیه که به عنوان شکلی از نمایش، در اجتماعات و مراسم یادکرد شهادت امام حسین علیه السلام در ایام محرم ریشه دارد و در طول تکامل خود، به منظور ایجاد روح همبستگی و انسجام و هویت مشترک در میان اقلیت شیعه شکل می‌گرفت، به ویژه در دوره

صفویه صورت معکوس و شفاعت طلبانه محض به خود گرفت. (هنری لطیف‌پور، ۱۳۸۰: ۹۰) ساختار قدرت در عهد قاجاری نیز همچون گذشته ساختاری استبدادی و مطلقه بود. قاجاریان به لحاظ مبنای مشروعیت سیاسی، اگر چه ابتدا تلاش کردند خود را از تبار صفویه قلمداد کنند و بدین سان خود را از مشروعیت دینی مورد ادعای آنان برخوردار کنند، اما به زودی این داعیه را رها کرده، به سمت جایگزین کردن مشروعیت حاصل از حمایت روحانیت شیعه از دولت قاجار به جای مشروعیت نسبی پادشاه حرکت کردند. (شجاعی زند، ۱۳۷۶: ۱۸۲)

نگرش سیاسی شیعه اعم از نخبگان و توده‌های مردم در این عصر به لحاظ حمایت و پشتیبانی سیاسی در جهت تبلیغ و اشاعه مذهب، نسبت به قدرت، نگرشی خصمانه نیست و بر نوعی خودمختاری و استقلال از حوزه سیاسی استوار است و حتی در مواردی حکایت از همکاری بین نخبگان و نظام قدرت دارد. این بدان معنا نیست که شیعه از باور تاریخی و اصولی خویش مبنی بر نامشروع شناختن حکومتی جز امام معصوم و یا حکومت فقیهان عادل و شایسته عدول کرده است، بلکه همکاری با آن را عاملی برای حفظ حدود و ثغور اسلامی می‌داند.

اگر چه گرایش عمومی شیعه در دوره قاجار بر نوعی همکاری توأم با حفظ حدود و حوزه اقتدار دو نهاد دین و دولت مبتنی بود، اما این بدان معنی نیست که در این دوره هیچ‌گونه حرکت و جنبش انقلابی و مبارزه‌جویانه به وقوع نپیوسته است، بلکه منظور این است که هرگونه رفتار و کنش سیاسی در این دوره صرفاً معطوف به بازداشتن نظام قدرت از تجاوز به حدود و مزرهای شریعت و یا ظلم به رعیت بوده است و هیچگاه از منظر زیر سؤال بردن و نفی عینی و عملی مشروعیت نظام و تلاش برای براندازی و فروپاشی آن، حرکتی شکل نگرفته است. (هنری لطیف‌پور، ۱۳۸۰: ۱۰۵)

تلقی شیعیان از مفاهیم و آموزه‌های فرهنگ شیعه طی یکصد سال اخیر به تدریج تغییر کرد. این تغییر علل مختلفی داشته است؛ بخشی به سبب هوشیاری ایرانیان، بخشی به دلیل واکنش نسبت به تغییرات اجتماعی و سیاسی و قسمتی دیگر به لحاظ سیر تکاملی عقاید شیعه از طریق اجتهاد بوده است. (عنایت، ۱۳۷۴: ۵۲) نتیجه این تحول، کنار گذاردن تفسیرهای دعوت‌کننده به آرامش و انفعال و فروتنی و ظاهر شدن روحیه مبارزه و ستیزه و

انقلاب‌گری بود. زمینه‌های این تغییر و تحول مهم که از آن به جنبش اصلاح و یا احیای فکر دینی تعبیر شده است، از دوره قاجار به ویژه پس از شکست‌های پی در پی ایران در جنگ با روسیه شروع به شکل‌گیری کرد. نمونه این تحول را در حکم میرزای شیرازی در تحریم تنباکو می‌توان دید که به بسیج عمومی انجامید. این امر در قیام مشروطیت نیز ادامه یافت تا به دوران سلطنت پهلوی اول رسید. هر چند در دوران رضاخان، ضدیت با دین و مراسم دینی و به صورت ویژه منع برگزاری مراسم عاشورا در دستور کار قرار داشت اما به نوبه خود زمینه ظهور بازتفسیر از نمادهای شیعی را فراهم کرد. این مسئله در دهه‌های بعد از فروپاشی دولت رضاخان، تأثیر فراوانی بر تحولات اجتماعی و سیاسی ایران داشت.

عصر پهلوی و زمینه‌های اجتماعی - سیاسی ظهور بازتفسیر از مفهوم عاشورا

روی کارآمدن دولت پهلوی اول نقطه عطف تاریخ در تحولات اجتماعی ایران است. رضاخان با کمک و حمایت دولت انگلیس سلطنت قاجاریه را منقرض کرده و آغاز سلطنت پهلوی را اعلام نمود و پس از انجام اقداماتی برای تثبیت قدرت خود با استفاده از زمینه‌های فکری ناشی از شکست مشروطه با تکیه بر ناسیونالیسم افراطی نافی اسلام، دست به اقداماتی برای مدرنیزاسیون و غربی کردن ایران زد. اسلام‌گرایی در مدت شانزده سال حکومت او در افول کامل بود. مبارزه با آیین‌ها و سنت‌های مذهبی شیعی مانند مجالس یادبود، وعظ، روضه‌خوانی و سوگواری، تصویب و اجرای قانون یک شکل کردن لباس و تعمیم آن به روحانیت، مبارزه با حجاب و پوشش اسلامی و نهایتاً کشف حجاب، برخورد شدید و خشونت‌بار با روحانیان و حوزه‌های دینی و سرکوب هرگونه صدای مخالف و منتقد، تصویب قوانینی در جهت محدود ساختن و تضعیف موقعیت روحانیت مانند تصویب قانون تصرف املاک و زمین‌های وقفی، گسترش تبلیغات ضد‌مذهبی و مبارزه با زبان و ادبیات عربی اسلامی به بهانه احیای زبان فارسی و سرانجام گسترش فساد و بی بند و باری از جمله اقدامات و فعالیت‌هایی بود که در دوره رضاخان برای خارج کردن اسلام و مذهب شیعه از عرصه سیاست و اجتماع انجام شد. (آبراهامیان، ۱۳۷۹: ۱۸۰)

روند مبارزه با مذهب، در دوران پهلوی دوم نیز ادامه یافت. با درگذشت آیت‌الله العظمی

بروجردی و کمی پس از وی آیت‌الله کاشانی، رژیم پهلوی میدان را برای گسترش برنامه‌های ضد مذهبی و انجام برخی به اصطلاح اصلاحات مورد نظر خود خالی از رقیب یافت؛ لذا برنامه‌ها و اقدامات مورد نظر را که عمدتاً معطوف به کاهش و پایان دادن به حضور دین در حوزه مسائل اجتماعی بود، آغاز کرد. (هراتی، ۱۳۷۶: ۷۸)

هدف عمده و اساسی پهلوی اول و دوم از انجام چنین اقداماتی، اجرای پروژه نوسازی در ایران بود که در آن غالب رژیم‌های سیاسی به سکولاریسم روی آوردند. این موضوع منجر به ظهور بحران هویت در سطوح مختلف اجتماعی می‌گردد و متولیان قدرت، تهاجم گسترده‌ای را به حوزه دین آغاز می‌کنند و هنجارها، ارزش‌ها و هویت جمعی را مورد هدف قرار می‌دهند. هر چند نوسازی و دین‌ستیزی در رژیم پهلوی، از آغاز تثبیت این رژیم در دوره رضاشاه آغاز شده بود، اما در دو دهه پایانی رژیم پهلوی به دلیل شرایط خاص بین‌المللی، افزایش شدید درآمدهای نفتی، بروز شرایط جدید در جامعه دینی، احساس و برداشت دولت‌مردان مبنی بر فقدان توان و اجماع کافی در میان رهبران و علمای مذهبی به ویژه پس از درگذشت مرجع تقلید زمان آیت‌الله العظمی بروجردی، شاه را به این نتیجه رساند که با فراغت و دست‌بازتر می‌تواند آنچه را که به تعبیر خودش موانع دینی موجود بر سر راه توسعه و مدرنیزاسیون بود، از میان بردارد. رژیم پهلوی با این تحلیل، در سال‌های ۱۳۴۲ تا ۱۳۵۶ تهاجم گسترده و همزمانی را علیه مذهب و مظاهر دینی آغاز کرد. (مدنی، ۱۳۶۱: ۳۱) تصویب لایحه انجمن‌های ایالتی و ولایتی و اقدامات دیگر در زمینه اسلام‌ستیزی، نظیر حذف تدریجی اسلام به عنوان دین رسمی کشور و همچنین زمینه‌ای برای حضور و نفوذ اقلیت‌ها خصوصاً یهودیان و بهاییان در پست‌های حساس کشور و طرح تشکیل سپاه دین برای آموزش را می‌توان از جمله این اقدامات برشمرد. (منصوری، ۱۳۷۶، ۵۴) علمای مذهبی و مصلحان دینی با مشاهده چنین وضعیتی اسلام را در خطر می‌دیدند و با بهره‌گیری از مفاهیم و نمادهای فرهنگ تشیع و بازتفسیر نمادهایی که گرد و غبار انفعالی بر آن نشسته بود موفق به ایجاد حرکتی علیه نظام پهلوی شدند.

بازتفسیر از مفاهیم «عاشورا» و انقلاب اسلامی

با توجه به زمینه‌های شکل گرفته در دوران حکومت محمد رضا پهلوی شاهد بازتفسیری از

مفاهیم و نمادهای شیعه هستیم. در حقیقت هر قدر رژیم پهلوی در راه سیاست‌های ضد مذهبی حرکت می‌کرد مبارزات با این رژیم نیز شکل جدیدی به خود می‌یافت که بازتفسیر از مفاهیم شیعی نیز گامی مؤثر در همین جهت بود.

امام خمینی علیه السلام و مصلحان دینی، نقش ویژه‌ای در ارائه این بازتفسیر ایفا کردند. امام خمینی علیه السلام در مبارزات خود علیه رژیم پهلوی از برخی نمادها و مفاهیم در فرهنگ شیعه استفاده کردند که مهم‌ترین آنها مفهوم عاشورا و قیام امام حسین علیه السلام بود. امام خمینی علیه السلام از دو شیوه در جهت استفاده از نهاد عاشورا به منظور بسیج سیاسی مردم و تحریک و ترغیب آنان به مبارزه با نظام سیاسی وقت استفاده کردند. ابتدا با طرح و بیان فلسفه قیام عاشورا و نهضت امام حسین علیه السلام و زدودن غبار تفاسیر کهن که رنگ و صبغه‌ای انفعالی به آن بخشیده بود، به زنده و امروزی کردن آن همت گماشته و سپس با قیاس شرایط سیاسی دوران نهضت انقلابی مردم ایران با شرایط نهضت امام حسین علیه السلام، هوشمندانانه نتایج آن قیام بزرگ را با شرایط و مقتضیات زمانه خود پیوند زدند و به این وسیله موجب برانگیخته شدن احساسات مذهبی توده‌ای مردم شدند.

ایشان در یکی از سخنرانی‌های خود چنین می‌گویند:

بدانند آنچه دستور ائمه علیهم السلام برای بزرگداشت این حماسه تاریخی اسلام است و آنچه لعن و نفرین ستمکاران آل بیت است، تمام فریاد قهرمانانه ملت‌ها است بر سردمداران ستم‌پیشه در طول تاریخ الی الابد؛ و می‌دانید که لعن و نفرین و فریاد از بیداد بنی امیه لعنت الله علیهم - با آنکه آنان منقرض و به جهنم رهسپار شده‌اند - فریاد بر ستمکاران جهان و زنده نگهداشتن این فریاد ستم شکن است. و این فریاد و پرخاش باید زنده بماند. (امام خمینی،

۱۳۷۵: ۴ / ۱۲۵)

امام خمینی در بیان دیگری درباره فلسفه عزاداری و گریه کردن بر امام حسین علیه السلام، بر خلاف تفاسیر سنتی و مرسوم که فلسفه عزاداری را منحصر در «کسب شفاعت امام حسین علیه السلام و آمرزش گناهان» تلقی می‌کردند می‌فرمایند:

گریه کردن بر شهید، زنده نگه داشتن نهضت است. اینکه در روایت هست که

کسی که گریه کند یا بگریاند یا به صورت گریه‌دار خودش را بکند، این جزایش بهشت است، این برای آن است که حتی آنی که به صورت گریه‌دار یک حال حزن به خودش می‌دهد و صورت گریه‌دار به خودش می‌دهد، این نهضت امام حسین علیه السلام را حفظ می‌کند. (همان: ۶ / ۲۳۴)

ایشان درباره فلسفه عزاداری و کارکرد سیاسی و بسیج کننده آن می‌افزاید:

امام حسین با عده کم همه چیزش را فدای اسلام کرد؛ مقابل یک امپراتوری بزرگ ایستاد و «نه» گفت؛ هر روز باید در هر جا این «نه» محفوظ بماند؛ و این مجالسی که هست مجالسی است که دنبال همین است که این «نه» را محفوظ بدارد. بچه‌ها و جوان‌های ما خیال نکنند که مسأله، مسأله «ملت گریه» است! این را دیگران القا کردند به شماها که بگویید «ملت گریه»! آنها از همین گریه‌ها می‌ترسند، برای اینکه گریه‌ای است که گریه بر مظلوم است؛ فریاد مقابل ظالم است. دسته‌هایی که بیرون می‌آیند، مقابل ظالم هستند؛ قیام کرده‌اند. (همان: ۱۰ / ۳۱۶)

اصلاً حضرت سید الشهداء چه احتیاج به گریه دارد؟ ائمه این قدر اصرار کردند به اینکه مجمع داشته باشید. گریه نکنید. [ندبه] بکنید. برای اینکه این حفظ می‌کند کیان مذهب ما را. این دستجاتی که در ایام عاشورا راه می‌افتند خیال نکنند که ما این را تبدیل کنیم به راهپیمایی. راهپیمایی است خودش. اما راهپیمایی با یک محتوای سیاسی (همان: ۱۱ / ۹۸)

امام خمینی علیه السلام پس از آنکه غبار تفاسیر انفعالی را از چهره مفاهیم و نهادهای مذهبی شیعی می‌زداید، با هوشمندی و مهارت تمام این مفاهیم و آموزه‌ها را با ضرورت‌های زمان خویش پیوند می‌دهد و می‌فرماید:

سلطنت و ولایتعهدی، همان است که اسلام بر آن خط بطلان کشیده و بساط آن را در صدر اسلام در ایران و روم شرقی و مصر و یمن برانداخته است. سلطنت و ولایتعهدی همان طرز حکومت شوم و باطلی است که حضرت سیدالشهدا علیه السلام برای جلوگیری از برقراری آن قیام فرموده و شهید شد. برای اینکه زیر بار ولایتعهدی یزید نرود و سلطنت او را به رسمیت نشناسد قیام فرمود و همه مسلمانان را به قیام دعوت کرد. (همان: ۵ / ۷۳)

ایشان بعدها در بحث دیگری در این زمینه فرمودند:

از رحلت پیمبرِ ختمی - پایه گذار عدالت و آزادی - می‌رفت که با کجروی‌های بنی امیه، اسلام در حلقوم ستمکاران فرو رود و عدالت در زیر پای تبهکاران نابود شود که سید الشهداء نهضت عظیم عاشورا را برپا نمود و با فداکاری و خون خود و عزیزان خود، اسلام و عدالت را نجات داد و دستگاه بنی امیه را محکوم و پایه‌های آن را فرو ریخت؛ و در عصر ما می‌رفت که با کجروی‌های سلسله پهلوی، حلقوم گشاد آنان و دارودسته و اربابان آنان اسلام و مصالح آن را ببلعد و عدالت و استقلال و آزادی را در زیر چکمه دیکتاتوری و پرده ریا و تزویر به نابودی بکشد. (همان: ۲۸۳)

قیام پانزدهم خرداد نیز در ماه محرم صورت گرفت و علی‌رغم محدودیت‌های ساواک و شهربانی برای برگزاری مراسم عزاداری محرم، امام خمینی علیه السلام به حرکت خود به ویژه در سخنرانی روز عاشورا ادامه دادند که منجر به دستگیری ایشان نیز شد. نگاهی به متن سخنرانی ایشان در این روز تأییدی بر تأثیر ظهور بازتفسیر از مفهوم عاشورا در این دوران است. امام در این سخنرانی ضمن اشاره به حوادث فیضیه به گونه‌ای هوشمندانه رفتار عاملان نظام پهلوی را با لشگریان یزید پیوند زده و به مقایسه آن می‌پردازند. بدین ترتیب با چنین رویکردی زمینه را برای قیامی همگانی که چند روز بعد اتفاق می‌افتد فراهم می‌آورند. (مدنی، ۱۳۶۱: ۲ / ۳۳)

امام خمینی (ره) با تأکید بر نقش عاشورا در شکل‌گیری قیام پانزده خرداد می‌فرمایند: «ملت عظیم‌الشأن در سال‌روز شوم این فاجعه انفجارآمیزی که مصادف با ۱۵ خرداد ۴۲ بود با الهام از عاشورا آن قیام کوبنده را به بار آورد. (امام خمینی، ۱۳۷۵: ۱۶ / ۲۹۰)

شهربانی و ساواک دعای به تاج و تخت را شرط برگزاری مراسم سوگواری قرار داده بودند. علاوه بر این، نگرانی آنان از موضوعاتی که واعظان و روضه‌خوانان مطرح می‌کردند نیز نشان از ظهور بازتفسیری از مفهوم عاشورا داشت که با مبانی اقتدار سلطنت سازگار نبود. (مدنی، ۱۳۶۱: ۲ / ۳۵)

نگاهی به آثار و سخنرانی‌های شهید مطهری نیز بیان‌کننده نقش بازتفسیر از عاشورا در

حرکت انقلابی مردم ایران است. ایشان با ارائه یک قرائت سیاسی و حماسی از عاشورا و ارتباط دادن آن با زمان، قدم مهمی در شکل‌گیری روحیه انقلابی ایفا کردند. ایشان با اشاره به برخی از قرائت‌ها و تفاسیری که از عاشورا ارائه شده و از آن به عنوان یک دستور خصوصی تلقی می‌شود می‌گویند:

با این تفسیرها، حادثه عاشورا را از مکتب بودن خارج کرده‌ایم. وقتی از مکتب بودن خارج کردیم، دیگر قابل پیروی نیست. از اینجا ما حادثه را از نظر مفید بودن، عقیم کرده‌ایم. آیا خیانتی از این بالاتر هم در دنیا وجود دارد (مطهری، ۱۳۷۱: ۶۷)

شهید مطهری در جای دیگری می‌افزاید:

این عزاداری در اصل، فلسفه‌اش تهییج احساسات علیه یزیدها و ابن زیادها، به سود حسین‌ها و حسینی‌ها بوده است. در شرایطی که حسین به صورت یک مکتب در یک زمان حضور دارد و سمبل و راه و روش موجود دیگری است، یک قطه اشک ریختن برایش، همان سربازی برای او است. اینجا است که عزاداری برای امام حسین، یک موج و مبارزه اجتماعی است (مطهری، بی‌تا: ۸۰)

دکتر شریعتی هم تلاش می‌کند تا از عاشورا سلاحی برای عمل سیاسی ایجاد کند. وی با اشاره به جایگاه بحث عاشورا و ابراز تأسف از اینکه عاشورا را که عالی‌ترین جلوه‌گاه مکتب شهادت است، بد طرح کرده‌اند و مکتب عزایش ساخته‌اند، (شریعتی، ۱۳۷۵: ۱۷۲) تصریح می‌کند که عاشورا ضربه‌ای کوبنده بود برای همیشه در دل تاریخ تا دستگاه‌های حاکم را با هر قدرت و لباسی رسوا کند.

بدین ترتیب، برانگیزنده‌ترین آموزه مذهب شیعه، یعنی عاشورا در جهت قیام ۱۵ خرداد به کار گرفته شد و امام توانست با چنین بازتفسیری، حرکتی را علیه دولت پهلوی آغاز کند. پس از قیام پانزدهم خرداد، انقلاب اسلامی را می‌توان به عنوان دیگر حادثه مهم در ایران معاصر عنوان کرد که با تأسی از این قیام صورت گرفت. حرکت انقلابی مردم ایران که مزین به شعارهای حسینی بود، نشان از اثرپذیری از این نماد عاشورا داشت. همچنین تظاهرات مردمی در تاسوعا و عاشورای حسینی در آستانه انقلاب اسلامی که پایه‌های دولت پهلوی را

فرو ریخت، نشانه دیگری از تأثیر عاشورا بر تحولات اجتماعی و سیاسی ایران است که با استفاده از همین بازتفسیر ارائه شده، صورت گرفت.

انقلاب علیه دولت پهلوی با استناد به اینکه عاشورا قیامی برای مبارزه با انحراف دین بود، صورت گرفت و بر اساس تکلیفی که امام علیه السلام تبیین کردند، امروز قیام علیه دولت پهلوی که یزید زمان است، وظیفه هر مسلمان شیعی است و شهادت در این راه نیز افتخار به حساب می‌آید. شعارهای مردمی که عباراتی از مفاهیم عاشورا در آن به چشم می‌خورد و استفاده از مراسم‌های عزاداری و سخنرانی‌هایی که در این مراسم انجام می‌شد، فضای مناسبی را در راستای بسیج مردمی فراهم کرد.

طرح موضوعات شهادت و ایثار در انقلاب اسلامی نیز برگرفته از قیام عاشورا است و بسیاری از نویسندگان به آن پرداخته‌اند.

امام خمینی علیه السلام در ترکیب نهضت با قیام عاشورا می‌فرماید:

ما افتخار می‌کنیم که مانند سید الشهداء روز عاشورا کشته شویم و بچه‌های ما را اسیر کنند و اموالمان را غارت نمایند. در عوض اسم ما تا ابد باقی خواهد ماند. اولاً، کار اینها با یزید هیچ فرقی نمی‌کند؛ ثانیاً، اگر بخواهند چنین عملی را انجام دهند و بخواهند دستجات ما را بکوبند و مردم را به قتل برسانند، ما نیز از هم اکنون مانند حسین اعلام می‌کنیم که هر که با ماست به طرف ما بیاید و هر کس که با ما نیست به سمت لشکر یزید برود. یکی از کسانی که بایستی در راه حضرت سید الشهداء آغشته به خون خود شود، خمینی است. حال که چنین است، باید ما روز عاشورا را در قم، کربلای حسین قرار بدهیم، تا یک کربلای ثانی درست کنیم و مردم برای زیارت به قم بیایند. چه افتخاری بالاتر از اینکه در راه دین، در راه حسین، در راه استقلال مملکت کشته شویم. (امام خمینی، ۱۳۷۵: ۱ / ۲۴۰)

امام (ره) درباره ماهیت انقلاب اسلامی می‌فرماید:

این نهضت پرتوی است از نهضت عاشورا؛ این تابع، این یک شعاعی است از آن نهضت. نمی‌دانند که گریه کردن بر عزای امام حسین، زنده نگه داشتن نهضت و زنده نگه داشتن همین معنا [ست] که یک جمعیت کمی در مقابل یک امپراتوری بزرگ ایستاد. دستور است. آن دستور عمل امام حسین سلام الله

علیه، دستور است برای همه: كُلُّ يَوْمٍ عَاشُورًا؛ وَكُلُّ أَرْضٍ كَرْبَلَاءٍ دستور است به اینکه هر روز و در هر جا باید همان نهضت را ادامه بدهید، همان برنامه را. (همان: ۱۰ / ۳۱۵)

بنابراین تأثیر مفاهیم و نمادهای عاشورایی در حرکت‌های دو دهه قبل از انقلاب و قیام علیه دولت پهلوی که به شکل‌گیری انقلاب اسلامی انجامید، کاملاً مشهود است. اما سؤال این است که مفهوم عاشورا پس از انقلاب اسلامی ایران، چه تأثیری بر تحولات اجتماعی داشته و چه مسائلی برای آینده آن می‌توان تبیین کرد.

عاشورا و مسائل اجتماعی - سیاسی پس از انقلاب اسلامی ایران

با عنایت به تأثیر نمادها و مفاهیم عاشورایی در رویداد انقلاب اسلامی و همچنین تشکیل حکومتی که با تأسی از نمادهای سیاسی شیعه شکل گرفت، طبیعی بود که رویکرد انقلابی به حادثه عاشورا ادامه یافته و در تحولات سیاسی - اجتماعی پس از انقلاب اسلامی نیز نقش مؤثری را ایفا کند.

پس از انقلاب، قرائت انقلابی از واقعه عاشورا و همچنین تأسی به مفاهیمی همچون شهادت و ایثار، باقی ماند و تقویت گردید. این مفاهیم در طول تاریخ سه دهه پس از پیروزی انقلاب اسلامی، جایگاه خود را حفظ کرده و به ویژه در دوران دفاع مقدس، نقش مؤثری در بسیج مردمی در راستای مقابله با دشمن خارجی داشت و به منظور ایجاد روح همبستگی و انسجام و هویت مشترک در میان اقلیت مورد استفاده قرار گرفت.

امام خمینی ره پس از انقلاب اسلامی ایران نیز همانند گذشته توجه ویژه‌ای به عاشورا و پیام آن همانند دوره قبل از انقلاب داشتند و همواره روحانیت و وعاظ را به توجه بیشتر به مفاهیم اساسی عاشورا و استفاده از آن در جهت بصیرت‌بخشی به مردم توصیه می‌کردند. ایشان در پیامی به ملت مسلمان ایران درباره وظایف اقشار جامعه در آستانه ماه محرم می‌فرمایند:

اکنون که ماه محرم چون شمشیر الهی در دست سربازان اسلام و روحانیون معظم و خطبای محترم و شیعیان عالی‌مقام سید الشهداء علیهم‌السلام است، باید حد

اعلای استفاده از آن را بنمایند. بزرگداشت سید مظلومان و سرور آزادگان که مجالس غلبه سپاه عقل بر جهل و عدل بر ظلم و امانت بر خیانت و حکومت اسلامی بر حکومت طاغوت است، هر چه باشکوه‌تر و فشرده‌تر بر پا شود و بیرق‌های خونین عاشورا به علامت حلول روز انتقام مظلوم از ظالم، هر چه بیشتر افراشته شود. (همان: ۵ / ۷۶)

امام علیه السلام به تأثیر عاشورا بر تحولات اجتماعی ایران و مهم‌تر از همه شکل‌گیری انقلاب اسلامی ایران توجه کرده و معتقد بودند استفاده از پیام‌ها و نماد عاشورا، تأثیر فراوانی در شکل‌گیری نهضت انقلابی مردم ایران داشته است. ایشان در این زمینه می‌فرمایند:

اگر عاشورا و گرمی و شور انفجاری آن نبود، معلوم نبود چنین قیامی بدون سابقه و سازماندهی واقع می‌شد. واقعه عظیم عاشورا از ۶۱ هجری تا خرداد ۶۱ و از آن تا قیام عالمی بقیة الله - ارواحنا لمقدمه الفداء - در هر مقطع انقلاب‌ساز است. (همان: ۱۶ / ۲۹۰)

انقلاب اسلامی ایران، پرتوی از عاشورا و انقلاب عظیم الهی آن است. (همان: ۱۸ / ۱۲)

قیام عاشورا تأثیر فراوانی بر مسائل ابتدای انقلاب داشت و موجب روشن شدن چهره واقعی نفاق در حوادث ابتدای انقلاب اسلامی و حوادث مربوط به دوران تثبیت نظام شد. همچنین مفاهیم مربوط به این نماد و اثر آن در اتحاد علیه دشمن خارجی در سال‌های دفاع مقدس را می‌توان به عنوان یکی از مهم‌ترین تأثیرات فرهنگ عاشورایی بر تحولات اجتماعی ایران دانست. در حقیقت از مهم‌ترین کارکردهای آن می‌توان به ایجاد روحیه شهادت‌طلبی، ایثار و فداکاری و همچنین ایجاد زمینه برای همبستگی در مقابل دشمن خارجی اشاره نمود. مفاهیمی همچون ایثار و شهادت که با قیام عاشورایی پیوند خورده بود در دوران دفاع مقدس، شرایط خاصی را در جبهه‌های دوران دفاع مقدس به وجود آورده بود که این امر در بسیج مردمی و حرکت به سوی جبهه‌ها نقش مؤثری داشت. تأسی به عاشورا موجب شد تا جنگ هشت ساله، جنگی مقدس از نظر ایرانیان به شمار آید و بدین ترتیب، اتحاد دنیای استکبار نتوانست ایران اسلامی را به زانو در بیاورد. این همان تأثیر شگرفی است که نماد و مفاهیم عاشورایی بر تحولات اجتماعی ایران داشت و موجبات مقاومت در برابر ابرقدرت‌ها را

فراهم کرد. فضای جبهه‌ها از دستورالعمل‌های مکتب حسین علیه السلام پیروی نموده و مردم را به جبهه‌ها برای زنده نگه داشتن قرآن، برای عمل به تکلیف، برای ادای حق و در یک کلام، امر به معروف و نهی از منکر فرا می‌خواند. (مترجمی جزه، ۱۳۹۱)

تأثیر عاشورا بر دوران دفاع مقدس و جبهه‌ها را در نام گردان‌ها و رمز عملیات‌ها و مهم‌تر از همه در وصیت‌نامه شهدا می‌توان یافت. بنا بر اظهار رئیس بنیاد شهید در یک نمونه آماری از وصیت‌نامه شهیدان به طور میانگین ۴۰۰ درصد راه خود را به امام حسین علیه السلام یا کربلا و یا عاشورا و یاران نزدیک امام حسین پیوند داده و آنها را الگوی خود قرار داده‌اند. برای نمونه شهیدی در وصیتنامه خود می‌نویسد:

من چو سربازان امام حسین علیه السلام، آن ۷۲ تن می‌گویم ای حسین به خدا اگر مرا هزاران بار قطعه قطعه کنند دست از دین خدا و حمایت از روح خدا بر نمی‌دارم و اگر با تکه تکه شدن من اسلام عزیز باقی می‌ماند، ای گلوله‌ها، ای خمپاره‌ها، ای توپ‌ها، ای راکت‌ها و ای آتش‌ها مرا دریابید و خاکسترم کنید.
(<http://asemanitm.blogfa.com>)

با رحلت امام خمینی علیه السلام، این نگرش توسط رهبر معظم انقلاب اسلامی نیز ادامه یافت. حضرت آیت الله خامنه‌ای در بیانات خود با تبیین جایگاه عاشورا، آن را عامل مهمی در بصیرت یافتن مردم جامعه دانسته و مردم را به عبرت‌آموزی از عاشورا دعوت می‌کنند. ارائه این نگرش به عاشورا، تأثیر فراوانی در حوادث سیاسی و اجتماعی ایران گذاشت. حضرت آیت الله خامنه‌ای در بیانات خود در خصوص عاشورا و ارتباط آن با مسائل جامعه ایران می‌فرمایند:

عاشورا پیام‌ها و درس‌هایی دارد. عاشورا به ما درس داد که جبهه دشمن با همه توانایی‌های ظاهری بسیار آسیب‌پذیر است. عاشورا به ما درس می‌دهد که در ماجرای دفاع از دین، بصیرت بیش از چیزهای دیگر برای انسان لازم است.

ایشان درباره عبرت‌هایی که از عاشورا و ارتباط آن با مسائل اجتماعی می‌توان گرفت می‌فرمایند:

عاشورا غیر از درس، یک صحنه عبرت است. انسان باید در این صحنه نگاه کند

تا عبرت بگیرد. عبرت بگیرد یعنی چه؟ یعنی خود را با آن وضعیت مقایسه کند و بفهمد در چه حال و وضعی قرار دارد. چه چیزی او را تهدید می‌کند و چه چیزی برای او لازم است. به نظر من امروز پیام عاشورا از دیگر درس‌ها و پیام‌های عاشورا برای ما فوری‌تر است ... اگر در جامعه اسلامی ما آن حالت آرمان‌خواهی از بین برود یا ضعیف بشود و هر کسی به فکر این باشد که کلاه خودمان را از معرکه به در ببریم تا در دنیایمان از دیگران عقب نیفتیم؛ دیگری جمع کرده است و ما هم برویم جمع کنیم و خود و مصالح خود را بر مصالح جامعه ترجیح بدهیم، معلوم است که وضع به اینجا خواهد رسید. (وضعیتی که در عاشورا روی داد) (بیانات رهبر انقلاب، ۷۱/۴/۲۳)

رهبر انقلاب اسلامی در مقایسه وضعیت جامعه ایران و وضعیتی که در حادثه عاشورا اتفاق افتاد می‌فرماید:

همه کار اسلام این بود که این معیارها را عوض کند. همه کار انقلاب ما هم همین بود که در مقابل معیارهای باطل و غلط مادی جهانی بایستد و آنها را عوض کند... صاحبان قدرت، پول و سرمایه‌دارها یک نظام و بساط مادی در دنیا چیدند که در رأس آن قدرتی مثل قدرت آمریکاست که از همه دروغ‌گوتر، فریب‌گرت‌ر، بی‌اعتنات‌ر نسبت به فضایل انسانی و بی‌رحم‌تر نسبت به انسان‌هاست. چنین قدرتی در رأس است و دوستان او هم در مراتب بعد قرار می‌گیرند. وقتی زور، فساد، دروغ و بی‌فضیلتی حاکم است، آن کسی که دارای فضیلت، صدق، نور، عرفان و توجه به خداست جایز یا زندان‌هاست و یا در مقتل و مذبح و گودال قتلگاه است. (بیانات رهبر انقلاب، ۷۱/۴/۲۳)

ایشان درباره مقایسه ارزش‌های انقلابی با ارزش‌های اسلامی می‌فرمایند:

اگر این ارزش‌ها را نگه داشتید نظام امامت باقی می‌ماند. آن وقت امثال حسین بن علی دیگر به مذبح برده نمی‌شوند. اما اگر اینها را از دست دادیم چه؟ اگر روحیه بسیجی را از دست دادیم چه؟ اگر به جای توجه به تکلیف و وظیفه و آرمان الهی به فکر تجملات شخصی خودمان افتادیم چه؟ اگر جوان بسیجی، مؤمن و با اخلاص را که هیچ چیز نمی‌خواهد جز میدانی برای مجاهدت در راه خدا، در انزوا قرار دادیم و یک آدم پُرو، افزون‌خواه، پرتوقع و بی‌صفای بی‌معنویت را مسلط کردیم چه؟ در این صورت همه چیز دگرگون

خواهد شد. اگر بین رحلت نبی اکرم و شهادت جگرگوشه‌اش در صدر اسلام پنجاه سال فاصله بود، ممکن است در روزگار ما این فاصله خیلی کم‌تر بشود و فضیلت‌ها و صاحبان فضایل زودتر به مذبج بروند. (بیانات رهبر انقلاب، ۷۱/۴/۲۳)

این نوع نگاه به عاشورا، در بصیرت‌بخشی به جامعه ایران کاربرد دارد. به عبارت دیگر می‌توان گفت که یکی از وجوه تمایز میان کارکردهایی که مفهوم عاشورا در تحولات سیاسی و اجتماعی ایران در دوره قبل و بعد از انقلاب اسلامی داشته، در این است که در قبل از انقلاب بیشتر کارکرد بیداری و انقلابی‌گری و در دوران پس از انقلاب بیشتر کارکرد بصیرت‌بخشی به منظور بیرون آمدن از فتنه‌ها را داشته است.

یکی از مهم‌ترین و شاید کلیدی‌ترین حوادثی که با تأسی به این نماد و در پاسخ به حتک حرمت آن رخ داد، قیام نهم دی ۱۳۸۸ بود که در پاسخ به جریان فتنه شکل گرفت. قیام نهم دی که در پاسخ به حرمت‌شکنی عاشورا شکل گرفت، در حقیقت با تأسی به همان قرائت انقلابی از واقعه عاشورا بود و کارکردی مشابه آنچه که در دوران قبل از انقلاب و همچنین حوادث پس از انقلاب روی داد داشت.

بدین ترتیب مفاهیم برگرفته از واقعه عاشورا که در دوران قبل از انقلاب با قرائت انقلابی‌گری و حفظ دین، تأثیر فراوانی بر تحولات و جنبش‌های اجتماعی همچون قیام پانزدهم خرداد و همچنین انقلاب اسلامی داشت، در دوران پس از انقلاب نیز در خاموش کردن فتنه‌های دوران تثبیت نظام جمهوری اسلامی و همچنین دفاع در مقابل دشمن خارجی مؤثر واقع شد و در دوران اخیر نیز زمینه قیام مردمی در نهم دی را فراهم کرد که به نوبه خود نقطه عطفی در تاریخ تحولات انقلاب اسلامی بود.

با این تحلیل می‌توان گفت که نماد و مفاهیم عاشورایی در آینده نیز نقش مؤثری در تحولات اجتماعی ایفا خواهند کرد. نکته‌ای که می‌بایست در بحث از مسائل آینده این تحولات مورد نظر قرار داد، توجه دشمن به عاشورا و نمادهای آن به عنوان نقطه قوت شیعه است. به اعتراف فوکویاما و دیگر اندیشمندان غربی، شیعه نقاط قوتی دارد که یکی از آنها بال سرخ شیعه، یعنی عاشورا است. بنابراین، باید مراقب توطئه‌های دشمنان در قبال عاشورا بود.

تحلیلی از آینده مسائل مربوط به نماد عاشورا در تحولاتی اجتماعی ایران

آنچه در نهم دی ۱۳۸۸ روی داد، موجب تأمل بیشتری از سوی دشمن پیرامون موضوع عاشورا شد. هرچند برخی از اندیشمندان غربی به اهمیت موضوع عاشورا در تفکر سیاسی شیعی اشاره کرده بودند اما این بار دشمن به خوبی فهمید که می‌باید موضوع عاشورا را در دستور کار خود قرار دهد و تا زمانی که عاشورا هست، حرکت انقلابی مردم نیز ادامه خواهد داشت. بنابراین در آینده با تلاش دشمن برای تخریب یا تضعیف عاشورا در تفکر سیاسی شیعه مواجه خواهیم بود. یک نوع از تخریب، تلاش در جهت تخریب اعتقادات شیعه است و تلاش دیگر در جهت منحرف کردن مفاهیم واقعه عاشورا در راستای از بین بردن پتانسیل انقلابی و برانگیزانندگی آن است.

تلاش برای القای تفسیرهای انفعالی و منحرف از حادثه عاشورا و یا تلاش برای القای برخی مباحث منحرف در عزاداری‌ها، می‌تواند در راستای این امر صورت گیرد. بنابراین می‌باید مراقب این امر بود تا در آینده با انحراف در مبانی و مفاهیم عاشورا و ظهور تفسیرها و قرائت‌های منحرف از آن، پتانسیل انقلابی و اتحادگرایانه آن در مقابل دشمن از بین نرود.

نتیجه

قیام عاشورا که به عنوان نهضتی مقدس و حرکتی سیاسی، پایدارترین جنبش در فرهنگ سیاسی شیعه است در راستای زدودن انحرافات دینی و سیاسی و جایگزین کردن حکومت علوی به جای حکومت اموی بود. این نهضت که دارای توان بالقوه برای تهییج و تحریک توده‌های تحت ستم و القای روحیه انقلابی‌گری و مبارزه در آنان بود، تحت شرایط خاصی به ویژه پس از روی کار آمدن دولت‌های صفوی و قاجاریه دچار تحول گردید. در این دوران بود که پرداختن به جنبه‌های عاطفی و غیر سیاسی عاشورا برجستگی بیشتری یافت و عاشورا از روح سیاسی و حماسی خود خالی شد.

در قرن‌های اخیر تحولاتی در جامعه ایران رخ داد که زمینه را برای بازتفسیر مفهوم عاشورا فراهم کرد. بسیاری از متفکران و مصلحان دینی در برابر حوادث پیش آمده که بخشی از آن به اقدامات دین‌ستیزانه دولت پهلوی و بخش دیگری به ورود اندیشه‌های

سکولار که مبارزه با دین و مبانی آن را هدف قرار داده بودند، به تفاسیر انقلابی از مفاهیم شیعه و به ویژه نماد عاشورا روی آوردند. تفسیرهای انقلابی از عاشورا که درحقیقت، قرن‌ها معانی دیگری به خود گرفته بود موجبات جنبش‌ها و قیام‌های متعدد در ایران به ویژه در دو دهه قبل از انقلاب را در این کشور فراهم کرد و بستری برای تحولات سیاسی و اجتماعی در دوران پس از انقلاب اسلامی گردید.

از مهم‌ترین قیام‌ها و تحولات تاریخی در ایران قبل از انقلاب اسلامی می‌توان به پانزدهم خرداد ۱۳۴۲ اشاره کرد که نقش بازتفسیر از عاشورا و استفاده از فضای مراسم عزاداری در شکل‌گیری این قیام بسیار مشهود است. پس از آن شکل‌گیری فضای انقلابی که با تأسی به نمادهای عاشورایی و استفاده از مراسم عزاداری در روزهای تاسوعا و عاشورا، زمینه تحول انقلابی و رویداد انقلاب اسلامی را فراهم آورد.

بنابراین، اصول اعتقادی و مبانی فقهی شیعی و فرهنگ سیاسی و تلقی برآمده از این اصول و مبانی، در هماهنگی و سنخیت با الزامات و فشارهای تاریخ نوین، برای یافتن پاسخی اسلامی به منظور دست یازیدن به اقدامات سیاسی و انقلابی قرار گرفت. تأثیر عاشورا بر تحولات اجتماعی به این مقاطع تاریخی محدود نگردیده و پس از انقلاب اسلامی نیز نقش مؤثری در تحولات سیاسی - اجتماعی ایران ایفا کرد.

در دوران پس از انقلاب نیز در مقاطع مختلف تاریخی، نماد و مفاهیم عاشورایی، زمینه مقابله با جریان‌های انحرافی که به دنبال کنار نهادن و تضعیف دین بودند به کار گرفته شد. می‌توان گفت که یکی از وجوه تمایز میان کارکردهایی که مفهوم عاشورا در تحولات سیاسی و اجتماعی ایران در دوره قبل و بعد از انقلاب اسلامی داشته، در این است که در قبل از انقلاب بیشتر کارکرد بیداری و انقلابی‌گری و در دوران پس از انقلاب بیشتر کارکرد بصیرت‌بخشی به منظور بیرون آمدن از فتنه‌ها را داشته است.

چنین رویکردی به عاشورا، با روح اصلی پیامی که قیام امام حسین داشت نیز همگون بوده و در صورتی که این قرائت از عاشورا جایگاه خود را حفظ کند، دشمنان هیچگاه نخواهند توانست به نظام اسلامی ضربه وارد کنند. باید توجه داشت که دشمنان نیز به این نقطه قوت شیعه به ویژه پس از قیام نهم دی ۱۳۸۸، به خوبی پی برده‌اند. بنابراین در آینده شاهد

تلاش‌هایی از سوی دشمن خواهیم بود که در راستای ارائه قرائت و تفسیرهایی از نمادهای عاشورا است که بتواند پتانسیل‌های موجود را از آن گرفته و در نهایت با انحراف این مفاهیم، به نظام اسلامی ضربه وارد سازد. بنابراین، توجه به این امر و تلاش برای مقابله با این حرکت دشمن، امری ضروری است که می‌باید در دستور کار قرار گیرد.

منابع و مأخذ

۱. آبراهامیان، یرواند، ۱۳۷۹، *ایران بین دو انقلاب*، ترجمه گل محمدی، نشر نی.
۲. بی‌نا، ۱۳۷۵، *قیام عاشورا در کلام و پیام امام خمینی*، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
۳. امام خمینی، سید روح الله، ۱۳۷۵، *صحیفه امام*، قم، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
۴. جعفریان، رسول، ۱۳۷۰، *دین و سیاست در دوره صفوی*، قم، انصاریان.
۵. شادلو، عباس، ۱۳۸۵، *انقلاب اسلامی از پیروزی تا تحکیم*، تهران، بی‌نا.
۶. شجاعی زند، علیرضا، ۱۳۷۶، *مشروعیت دینی دولت واقتصاد سیاسی دین*، تهران، مؤسسه فرهنگی تبیان.
۷. شریعتی، علی، ۱۳۷۵، *حسین وارث آدم*، تهران، قلم.
۸. شهیدی، سید جعفر، ۱۳۷۲، *از دیروز تا امروز*، تهران، نشر قطره.
۹. عنایت، حمید، ۱۳۷۴، «انقلاب ایران، ایدئولوژی شیعه و نقش آن در پیروزی انقلاب اسلامی»، ترجمه مینا منتظر لطف، *ماهنامه فرهنگ توسعه*، شماره ۹.
۱۰. مترجمی جزه، زینب، ۱۳۹۱، «فرهنگ عاشورا و دفاع مقدس» در: <http://www.dsrc.ir/view/article>
۱۱. مطهری، مرتضی، ۱۳۷۱، *حماسه حسینی*، جلد اول، تهران، صدرا.
۱۲. _____، بی‌تا، *نهیضت‌های اسلامی در یکصد سال اخیر*، تهران، صدرا.
۱۳. مدنی، سید جلال الدین، ۱۳۶۱، *تاریخ سیاسی معاصر ایران*، ج ۲، قم، دفتر انتشارات اسلامی.
۱۴. منصور، جواد، ۱۳۷۶، *قیام ۱۵ خرداد ۱۳۴۲*، تهران، حوزه هنری.
۱۵. میراحمدی، مریم، ۱۳۶۴، *دین و مذهب در عصر صفویه*، تهران، امیرکبیر.

۲۲۰ □ فصلنامه علمی - پژوهشی «پژوهش‌های انقلاب اسلامی»، سال اول، پاییز ۹۱، ش ۲

۱۶. هراتی، محمد جواد، ۱۳۸۸، «بازتفسیر از مفهوم عاشورا و قیام ۱۵ خرداد»، در مجموعه مقالات همایش پانزدهم خرداد، تهران، سوره مهر.

۱۷. _____، ۱۳۸۶، *رهیافت‌هایی در تبیین انقلاب اسلامی ایران*، همدان، شوق دانش.

۱۸. هنری لطیف پور، یدالله، ۱۳۸۰، *فرهنگ سیاسی شیعه و انقلاب اسلامی*، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی.

۱۹. پایگاه اینترنتی دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت الله خامنه‌ای:

<http://farsi.khamenei.ir>

20. <http://asemanitm.blogfa.com/post-27.aspx>.